

**بهزاد مهرکش**؛ دومینوی اخراج دیپلمات‌های ایرانی از اروپا به آلبانی رسید. چهارشنبه گذشته خبرگزاری آسوشیتدپرس در خبری اعلام کرد آلبانی ۲ دیپلمات ایرانی را از کشورش اخراج کرده است. نکته قابل توجه دربارهٔ اخراج این ۲ دیپلمات ایرانی این است که دلیلی برای این اخراج اعلام نشده و صرفا علت آن برخی ادعاهای کلی درباره اقدامات خلاف امنیت ملی آلبانی عنوان شده است!

به گزارش «وطن امروز»، سخنگوی وزارت خارجه آلبانی در گفت‌وگو با آسوشیتدپرس، بدون ارائه هیچ‌گونه مستنداتی، مدعی شد این دو دیپلمات فعالیت‌هایی انجام داده‌اند که امنیت آلبانی را به خطر انداخته است. سخنگوی وزارت خارجه آلبانی این را هم گفت که این اقدام بعد از هماهنگی با برخی کشورها و البته رژیم صهیونیستی بوده است. سخنگوی وزارت خارجه آلبانی همچنین ادعا کرده ۲ دیپلمات ایرانی قوانین مربوط به وضعیت دیپلماتیک خودشان را نقض کرده‌اند. همین اظهارات گنگ و کلی درباره دلیل اخراج دیپلمات‌های ایرانی، شبانیه‌ها درباره بی‌گناه بودن دیپلمات‌های ایرانی را تقویت می‌کند.

بررسی اسامی دیپلمات‌های اخراج شده ایرانی نیز نشان می‌دهد این اخراج، حساب شده و با اهداف سیاسی و امنیتی بوده است. یکی از دیپلمات‌های اخراج‌شده از آلبانی، «غلامحسین محمدنیا» سفیر ایران در «تیرانا» است. محمدنیا یکی از اعضای تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای است و حسن روحانی از او تقدیر کرده است. نفر دوم «مصطفی رودکی» از دیپلمات‌های مهم و ویژه وزارت امور خارجه در اروپاست. رودکی به همراه اسدالله اسدی (دیپلمات دستگیر شده ایرانی) از دیپلمات‌های ورزیده در اروپا بودند. پس از دستگیری اسدی، حالا با اخراج رودکی، ماهیت این رفتارهای غیردیپلماتیک با دیپلمات‌های ایرانی در اروپا تا حدودی مشخص شده است.

اما دومینوی اخراج دیپلمات‌های ایران از کشورهای اروپایی در حالی به آلبانی رسیده است که این کشور مدت‌هاست به پایگاه بیش از ۲ هزار منافق تروریست که در جریان نبرد رژیم بعث عراق با ایران به ارتش «صدام» دیکتاتور عراق کمک رسانندند یا در داخل کشور شهروندان ایرانی را شهید و مجروح کردند، مبدل شده است. موضوع قابل توجه که سناریوسازی‌های اخیر اروپا علیه ایران را علنی می‌کند، دفع‌ص صریح بولتون و پمپئو از این اقدام ضد ایرانی آلبانی است. جان بولتون، مشاور امنیت ملی کاخ سفید باافلاصه در واکنش به اخراج سفیر و یک دیپلمات ایرانی از آلبانی در توییتر خود نوشت: «لای راما» نخست‌وزیر آلبانی الان سفیر ایران را اخراج کرده، این اقدام حامی پیمایی برای مقامات ایران است که حمایت آنها از تروریسم تحمل نخواهد شد. جان بولتون اضافه کرده است: ما در کنار نخست‌وزیر راما و مردم آلبانی ایستاده‌ایم در حالی که آنها در حال مقابله با رفتار بی‌پروای ایران در اروپا و سراسر جهان هستند. مایک پمپئو نیز در پیمایی در توییتر از دولت آلبانی به خاطر «خارج ۲ مامور ایرانی» تقدیر و دیپلمات‌های ایرانی را به «طراحی حملات تروریستی در آلبانی» متهم کرد!

واکنش آمریکایی‌ها به اخراج دیپلمات‌های ایرانی به پمپئو و بولتون محدود نشد؛ دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا نیز از نخست‌وزیر آلبانی به خاطر اخراج دیپلمات‌های ایرانی تقدیر کرد. البته تاریخ نامه قدردانی ترامپ از ادی راما مربوط به یک هفته قبل است؛ موضوعی که نشان می‌دهد دیپلمات‌های ایرانی یک هفته قبل از اعلام رسمی، از آلبانی اخراج شده‌اند. در نامه ترامپ به نخست‌وزیر آلبانی که سفارت آمریکا روز پنجشنبه روی فیسبوک خود منتشر کرده، آمده است: «ژ شما به دلیل تلاش‌های پایدار برای مقابله با ایران و مهار فعالیت‌های ثبت‌زادی این کشور تشکر می‌کنم».

این نامه‌نگاری ترامپ با نخست‌توزیر آلبانی به وضوح دست داشتن واشنگتن در این اقدام ضد ایرانی آلبانی را نشان می‌دهد. وزارت‌امور خارجه ایران نیز واکنشی مشابه موم‌اقبلی برخوردار است. دیپلمات‌های ایرانی در اروپا اتخاذ کرده با این تفاوت که این بار، بیشتر از آلبانی که کشور عامل اخراج بوده سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، ادبیات تندى علیه مقامات آمریکایی داشت. سخنگوی وزارت امور خارجه اعلام کرد این اقدام دولت آلبانی منطقی نیست؛ بهرام قاسمی همچنین عنوان کرد اقدام آلبانی بر اساس پروتکل اطلاع‌انداز انجام شده است. سخنگوی وزارت امور خارجه از برخی سناریوها برای تخریب روابط ایران و اروپا انتقاد کرد اما مشخص نیست وقتی این اقدامات مستقیما از سوی کشورهای اروپایی در حال انجام است، دقیقا مخاطب سخنان آقای سخنگو کدام کشورها و جریانات هستند؟! بهرام قاسمی با نکوهش اقدام غیرقابل قبول دولت آلبانی در اخراج ۲ دیپلمات ایرانی اظهار کرد: این اقدام و سناریو تحت فشار دولت آمریکا و سرویس امنیتی رژیم صهیونیستی و با همکاری برخی گروه‌های تروریستی ضد ایرانی و با بیان ادعاهای واهی و نادرست تدوین و در جهت تخریب و تحت تاثیر قرار دادن روابط ایران و اروپا اجرا شده است. این رفتار دولت آلبانی که هیچ توجیه و پایه و اساس منطقی ندارد، تماما بر بنیان اطلاعات ساختگی و غلط برخی سرویس‌های امنیتی بوده و اقدامی محکوم و غیرقابل قبول تلقی می‌شود. جای تاسف دارد که این بار سناریوسازان ضد ایرانی، کشور آلبانی را که همواره از روابط خوبی با ایران برخوردار بوده است قربانی نقشه‌های شوم خود قرار داده‌اند. وی تصریح کرد: ما این اقدام نابخردانه تحمیلی بر این کشور را در ادامه همان خط تخریب و اخلال در روابط خارجی ایران، بویژه با اروپا و نیز با هدف ایران آزاری و ایران‌هراسی می‌دانیم که توسط آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها همواره دنبال می‌شود که ذوق‌زدگی کودکانه و از سر ناشیکری و ورود عجولانه به اعلام موضع زردی و بیان شادمانی ابلهانه برخی مقامات آمریکایی بویژه وزیر خارجه آن کشور - از این اقدام گواهی بر این تلاش‌های مذبح‌خانه افراد غیرحرفه‌ای و مزیدبگیر گروه‌های تروریستی طی سالیان اخیر است. وی افزود: در ماه‌های اخیر شاهد آن بودیم با جدی‌تر شدن همکاری‌های ایران و اروپا برای بی‌اثر کردن تحریم‌های یکجانبه و غیرقانونی آمریکا، طرحی سناریوهای تخریب روابط ایران و اروپا بیشتر شده است که البته با هوشیاری، درایت و کیاست طرفین قطعاً ناکام خواهد ماند.

■ **هلند: منطقه آغاز**

اخراج ۲ دیپلمات ایرانی از آلبانی در شرایطی اتفاق می‌افتد که طی ماه‌های گذشته موجی از برخوردها با دیپلمات‌های ایران در کشورهای اروپایی آغاز شده است. سرازغ این اقدام به اخراج ۲ دیپلمات ایرانی از کشور هلند مربوط می‌شود. ۲ دیپلماتی که بعدها مشخص شد از دیپلمات‌های حرفه‌ای وزارت امور خارجه



در اروپا بوده‌اند. انفعال وزارت امور خارجه در قبال این اقدام غیرقانونی هلند در حقیقت به مثابه چراغ سبیز به اروپایی‌ها برای اتادوم این رفتار غیرقانونی بود. در شرایطی که هلند در پی افسشای هویت «محمدرضا کلاهی» عامل بزرگ‌ترین اقدام تروریستی تاریخ انقلاب و رسوایی اعطای ۳۰ سال پناهندگی به این تروریست، بشدت مورد فشار افکار عمومی قرار داشت، در پی عدم ورود موثر دستگاه دیپلماسی به این موضوع، این کشور در اقدامی عجیب دو دیپلمات کشورمان را اخراج کرد تا زمین بازی را به نفع خود تغییر دهد؛ اقدامی که تا این لحظه همچنان از سوی وزارت امور خارجه ایران بدون پاسخ مانده است. نه جهانگیری به عنوان سفیر ایران در هلند و نه محمدجواد ظریف به عنوان عالی‌ترین مقام دیپلماتیک ایران نسبت به این موضوع اقدام موثر و قاطعی نداشتند. در حالی که هلند در قبال پناه دادن به کلاهی (تروریست منافقین و عامل بمب‌گذاری در حزب جمهوری) باید مورد شمتات و پیگیری حقوقی جمهوری اسلامی قرار می‌گرفت، وزارت امور خارجه تعلل کرد و اقدامی در راستای احقاق حقوق خانواده شهیدای هفتم تیر و نیز در دفاع از امنیت مردم ایران انجام نداد. این تعلل و تسامح، موجب شد کشور بدهکار (هلند) طلبکار شود و ۲ دیپلمات ایرانی را از کشورش اخراج کند. پس از تعلل و انفعال وزارت امور خارجه در قبال اخراج دیپلمات‌های ایرانی از هلند، دومینوی برخورد با دیپلمات‌های ایرانی تشدید شد. البته یک موضوع در داخل ایران و در میان اهالی رسانه همچنان پنهان مانده است. در حالی که جامعه رسانه‌ای کشور باید از دیپلمات‌های اخراج شده ایرانی از هلند دفاع و خط خبری انتقاد از این کشور اروپایی را دنبال می‌کرد، چه کسی و از کدام جایگاه، به برخی خبرنگاران رسانه‌های حامی دولت گفته بود دیپلمات‌های اخراجی از هلند، ۲ نیروی امنیتی ایران در پوشش دیپلماتیک بودند و بااین شایعه تلاش کرد فشار رسانه‌ای را از روی وزارت امور خارجه بردارد؟

■ **ماجرای عجیب بازداشت ۶ ماهه یک دیپلمات**
در کلکسنیون اقدامات ضد ایرانی اروپا، ماجرای بازداشت دیپلمات سفارت ایران در اتریش نیز در نوع خود بی‌سابقه است. ۶ ماه از بازداشت غیرقانونی اسدالله اسدی، دیپلمات ایرانی از آلمان به اتهام واهی تلاش برای بمب‌گذاری در همایش منافقین در فرانسه می‌گذرد، با این حال هنوز کشورهای اروپایی درگیر این پرونده، سندی بر جرم و محکومیت او ارائه نکرده‌اند و وزارت امور خارجه ایران نیز نتوانسته آنچنان که باید و شاید از حقوق این دیپلمات ایرانی دفاع کند.

تیرماه گذشته دادستانی فدرال آلمان مدعی شد این دیپلمات ایرانی مستقر در وین، مشکوک به همکاری با زوجی است که قصد حمله به تجمع گروهی تروریستی منافقین در پاریس را داشته‌اند. «توماس اشنول» سخنگوی وزارت خارجه اتریش نیز همان زمان در یک کنفرانس خبری اعلام کرد: از ایران



**در ادامه اخراج سربالی و توهین آمیز سفرای ایران از کشورهای اروپایی این بار آلبانی در اقدامی نادر سفیر ایران را به همراه یک دیپلمات ارشد به دلایل نامعلوم از این کشور اخراج کرد**

# دفن پرستیز دیپلماتیک

**اماکن دیپلماتیک هم دیگر حرمت ندارند!**

انفعال محض دستگاه دیپلماسی در قبال اروپا مبتنی بر تحلیل با اطلاعات منابع آگاه نیست، مصادیق اقدامات کشورهای اروپایی طی ماه‌های گذشته علیه ایران در تمام رسانه‌های دنیا منتشر شده است. جالب توجه اینکه در برخی موارد موضوع آنقدر آشکار است که وزارت امور خارجه رسما به آن اشاره و اعتراف هم کرده است اما آنچه در عمل مشاهده می‌شود عملا اروپایی‌ها را برای تادوم اقدامات ضد ایرانی خود با انگیزه‌تر کرده است؛ از اخراج غیرقانونی دیپلمات‌های ایرانی تا حمله به سفارتخانه‌های ایران در اروپا و آتش زدن پرچم جمهوری اسلامی و برخی دیگر از اقداماتی که بخش قابل توجهی از آنها در سایه انفعال پلیس کشورهای اروپایی و حتی بعضا همکاری دستگاه‌های امنیتی کشورهای مذکور رخ داده است. نمونه آشکار این موضوع تعرض به سفارت ایران در فرانسه است. این موضوع تا حدی مشکوک بود که وزارت امور خارجه نیز فرضیه هماهنگی این اقدام با دولت کشور اروپایی فرانسه را تایید کرد. ۲۳ شهریورماه بود که چند نفر از اعضای گروهک ضدانقلاب کومله به سفارت ایران در پاریس تعرض کردند. پلیس فرانسه با وجود اطلاع قبلی از احتمال این رویداد، برای جلوگیری از این تعرض در محل حاضر نشد. در این حادثه حدود ۱۵ نفر از عناصر این گروهک تروریستی باهانت به پرچم مقدس جمهوری اسلامی، اقدام به پر تاب سنگ و اشیای مختلف از جمله لوازم کامپیوتر، کپسول آتش‌نشانی و… کردند و شیشه‌های ساختمان سفارت را شکستند. پلیس فرانسه از صبح روز حادثه، از تحرکات این افراد خبر داشت و جالب اینکه به مسؤولان سفارت نیز اطلاع داده بود اما درست زمانی که عناصر گروهک تروریستی کومله در مقابل سفارت حاضر می‌شوند، مأموران پلیس اطراف سفارت را ترک می‌کنند و پس از پایان نمایش متعرضان به سفارت

ایران، مأموران پلیس بار دیگر به محل خدمت‌شان بازمی‌گردند! یک روز بعد یعنی ۲۴ شهریور، بهرام قاسمی درباره تعرض به سفارت ایران در پاریس اظهار داشت: متأسفانه به‌رغم انتظار طبیعی که از پلیس فرانسه وجود داشت، آنان هنگام حضور این مهاجمان که از وابستگیان یک گروهک تروریستی بودند، بموقع در محل حاضر نبودند. سخنگوی وزارت امور خارجه تاکید کرد: موضوع تهاجم این گروه و عدم حضور بهنگام پلیس فرانسه، تحت بررسی و پیگیری است. قاسمی خاطر نشان کرد: «پس از پیگیری‌های متعدد و حضور نیروهای ذی‌ربط، تعدادی از مهاجمان توسط پلیس دستگیر شدند که خواستار محاکمه و مجازات آنها و اعلام نتیجه از سوی مقامات ذی صلاح هستیم». سوال اساسی این است که با وجود گذشت ۳ ماه از تعرض به سفارت ایران که به اذعان رسمی وزارت امور خارجه در سایه انفعال و همراهی پلیس این کشور اروپایی رخ داده است، دستگاه دیپلماسی چه اقدام عملی و متقابلی در واکنش به این اقدام ضد ایرانی انجام داده است. قابل توجه اینکه سخنگوی وزارت امور خارجه در واکنش اعلام می‌کند دولت ایران خواهان محاکمه عاملان حمله به سفارت ایران است و موضوع عدم حضور بهنگام پلیس را بررسی می‌کند. خبا با گذشت ۳ ماه کدام پیگیری لازم انجام و کدام نتیجه به افکار عمومی اطلاع داده شده است؟ آیا حتی جلسه نمایشی محاکمه عاملان حمله به سفارت ایران برگزار شد؟ فارغ از اینکه حکم آن چه چیزی باشد. خب؛ در چنین شرایطی که عملا دیپلماسی دولت قفل شده و هیچ کارایی موثری برای صیانت از حقوق رسمی کشور و همچنین حراست از حقوق مردم ندارد، آیا طبیعی نیست که دولت‌های اروپایی و برخی کشورهای منطقه اقدامات ضد ایرانی خود را به صورت تصاعدی گسترش دهند؟

خواستاریم مصونیت این دیپلمات را لغو کند. دستگاه قضایی بلژیک حکم به بازداشت این دیپلمات ایرانی داده و به همین دلیل ظرف ۴۸ ساعت موقعیت دیپلماتیک خود را از دست می‌دهد. بازداشت و همچنین تصمیم دولت اتریش برای سلب مصونیت دیپلماتیک از یک دیپلمات ایرانی، گذشته از آنکه اتفاقی نادر و استثنایی در دنیای دیپلماسی به حساب می‌آید، برخلاف حقوق دیپلماتیک نیز هست، چرا که طبق این حقوق، نمی‌توان یک دیپلمات را به هیچ عنوان توقیف یا بازداشت کرد. حتی بر اساس این حقوق، دیپلمات‌ها را نمی‌توان تحت تعقیب قانونی قرار داد. در پیمان وین یا کنوانسیون وین راجع به روابط دیپلماتیک به عنوان مهم‌ترین معاهده مربوط به حقوق دیپلماتیک آمده است: «مصونیت دیپلماتیک اساسا قابل نقض نیست».

مهرماه گذشته دادستانی آلمان اعلام کرد دیپلمات ایرانی را که در این کشور تحت بازداشت قرار داشته به بلژیک تحویل داده است. پیش از این اعلام شده بود دادگاهی در آلمان با استرداد اسدی به بلژیک موافقت کرده است. مخالفت چند کشور اروپایی با تقاضای ایران جهت آزادی اسدی در شرایطی انجام شده که این دیپلمات ایرانی در مدت بازداشت در آلمان از حق بدبهی ملاقات با دیگران در مدت بازداشت نیز محروم بود!

به اعتقاد برخی کارشناسان، ماجرای به هلاکت رسیدن کلاهی در هلند و اخراج ۲ دیپلمات ایرانی از سفارت ایران در هلند، با ماجرای سناریوسازی علیه اسدالله اسدی، دیپلمات مظلوم ایرانی کاملا مرتبط بوده و در واقع رفتار غیرقانونی با اسدی، اقدامی است که در راستای اطمینان‌بخشی به منافقین برای حمایت‌های همه‌جانبه اروپا از این تروریست‌ها انجام می‌شود. این رفتار اروپا در حقیقت منطبق شدن با سیاست‌های دولت آمریکا درباره حمایت از منافقین به قصد بازکاری در ایران است.

البته در گیرودار ماجرای دستگیری غیرقانونی اسدی، ماجرای

اخراج یک دیپلمات ایرانی از فرانسه نیز فاش شد. یعنی غیر از اخراج ۲ دیپلمات ایرانی از هلند و دستگیری اسدالله اسدی، یک دیپلمات ایرانی دیگر نیز از فرانسه اخراج شده بود.

■ **دیپلمات‌های کدام کشور جاسوسند؟**

نکته قابل توجه در سریال اتهام‌زنی اروپایی‌ها به ایران، اقدام علیه منافع ملی کشورهای اروپایی است. این ادعا در حالی است که نگاهی به سوابق برخی مقامات اروپایی که به عنوان دیپلمات در ایران حضور دارند، مساله را جالب توجه می‌کند. در حقیقت در ماه‌های گذشته که روند اخراج سفرا یا دیپلمات‌های ایران از کشورهای اروپایی شدت گرفت، مقامات این کشورها بدون اینکه دلیل و سند محکمی دال بر اتهامات یا جرائم این افراد ارائه دهند، موضوع عضویت این دیپلمات‌ها در سرویس‌های امنیتی ایران را پیش کشیدند. مثلا در ماجرای اسدی، دادستانی آلمان، او را متهم به فعالیت به عنوان «جاسوس خارجی» و «توطئه

پایان یافتن این دشمنی آشکار اروپا شده است؟ اکنون که مشخص شده رویه و موضع وزارت امور خارجه در قبال این موضوعات بی‌فایده و بی‌نتیجه بوده، آیا زمان آن نیست رفتار ایران در قبال اروپایی‌ها تغییر کند؟ یا همچنان باید همه منافع دیپلماتیک ایران در اروپا و سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی پای بسته SPV قربانی شود؟

سوال اساسی و مهم دیگری که مطرح می‌شود این است: وقتی نوع مواجهه اروپا در قبال یک دیپلمات رسمی و حرفه‌ای ایرانی (Career Diplomat) تا این حد تحقیرآمیز است که بسادگی و بدون هیچ هزینه‌ای انجام می‌شود و دستگاه دیپلماسی ما نیز در قبال این اقدامات، اقدام متقابلی نمی‌کند، آن وقت تکلیف سایر دیپلمات‌های تحت پوشش و همچنین مردم عادی کشورمان چه خواهد بود؟ مردم حق دارند این سوال را از دستگاه دیپلماسی بپرسند که وقتی این نهاد توان حمایت از نیروهای ارشد خود در خارج از کشور را ندارد، آن وقت آنها با کدام امنیت‌امکان سفر و حضور در خارج از کشور بویژه کشورهای اروپایی را دارند؟

موضوعی که تنها به عنوان یک فرضیه قابل بحث نیست و در عمل نیز واقع شده است. برخورد توهین‌آمیز با مردم عادی کشورمان در گرجستان نمونه بارز این موضوع یعنی نبود امنیت خاطر برای سفرهای خارجی است. وزارت امور خارجه در همین موضوع گرجستان تا چه میزان توانسته نسبت به توهین‌های انجام شده به مردم کشورمان و احقاق حقوق تضییع شده آنها ورود کند؟ دستگاه دیپلماسی جز توصیه به سفر نکردن(!) مردم ایران به کشورهایی که در آنجا هتک حیثیت شده‌اند، چه تجویز دیگری ارائه کرده است؟

■ **دفن پرستیز!**

مسؤولان فعلی وزارت امور خارجه که به زعم خودشان ارتباط خوبی با کشورهای غربی دارند و تحصیل در کشورهای اروپایی همواره به عنوان یکی از مزیت‌های آنان مورد اشاره قرار گرفته، لازم است پاسخ دهند این حجم از انفعال در قبال اقدامات گسترده علیه منافع ملی و حیثیت جمهوری اسلامی تاکنون در کجای دنیا و توسط کدام دستگاه دیپلماسی مشاهده شده است؟ آیا مسؤولان وزارت امور خارجه به همان میزان که به حک نام و نام‌خانوادگی‌شان به سر آستین خود حساس هستند، توانستند پرستیز جمهوری اسلامی ایران را در دنیا حفظ کنند؟ آیا کشورهای اروپایی جرات دارند فقط بخشی از اقداماتی که علیه دیپلمات‌های ایرانی کرده‌اند، علیه یک شهروند آمریکایی انجام دهند. روند صعودی افزایش اقدامات ضد ایرانی اروپا بخوبی نشان می‌دهد پرستیز دیپلماتیک دولت ایران در دنیا بشدت افول کرده است. قابل تامل اینکه این موضوع یعنی همان تنزل پرستیز تنها به نوع مواجهه دولت با اروپا محدود نمی‌شود، نگاهی به رفتارهای برخی کشورهای متعلق در قبال ایران بویژه عربستان سعودی حاکی از آن است که انفعال در دستگاه دیپلماسی، عدم توجه به بدبهی‌ترین مبانی علم روابط بین‌الملل یعنی «عدم متقابل» در ساختار مدیریتی وزارت امور خارجه فراگیر شده است. رفتار وزارت امور خارجه در قبال عربستان از ماجرای حمله به سفارت ایران در لبنان توسط عناصر تروریستی وابسته به آل سعود تا جنایت منا و مسجدالحرام و شهادت نزدیک به ۵۰۰ زائر ایرانی بخوبی گزاره انفعال را تایید می‌کند. ماجرای تملل آقای ظریف و مرگ مشکوک ماجدالمجدع عربستانی - عامل حمله به سفارت ایران در لبنان - و صحبت‌های ظریف در فرودگاه لبنان در همان زمان درباره رابطه خوب با عربستان همچنان نقل محافل سیاسی و رسانه‌ای است. بی‌توجهی به جنایت منا و مسجدالحرام که بارها مورد انتقاد خانواده این شهدا قرار گرفته است حتی مورد انتقاد حامیان دولت نیز قرار گرفته است. ماجرا البته فقط به همین دو موضوع ختم نمی‌شود و هنوز فشار ایجاد شده بر افکار عمومی در ماجرای عربستان، تعرض ۲ مامور سعودی به ۲ نوجوان ایرانی در فرودگاه جده کاهش نیافته و جامعه همچنان تحت تاثیر این اتفاق ناگوار قرار دارد. افسران سعودی قرار بود به اشد مجازات برسند اما اخبار ضد و نقیض درباره سرنوشت آنها مغایره می‌شود و برخی منابع از محدود کردن حکم اعدام به چند سال حبس خبر داده‌اند. کدام رفتار محمدجواد ظریف و دستگاه دیپلماسی دولت روحانی در قبال این اتفاقات را می‌توان یک رفتار درخرو عزت ملی دانست؟ آیا واکنش‌های ظریف و وزارت تحت مدیریت او به هر کدام از اتفاقات ضد ایرانی از توطئه علیه دیپلمات‌ها و اماکن دیپلماتیک تا بدرفتاری با ایرانیان در دیگر کشورها که حالا به کشورهای کوچکی مثل گرجستان نیز رسیده، موجب افزایش اعتبار ایران و ایرانیان شده یا اینکه ارزش ایرانی را مخدوش کرده است؟

■ **از چینی‌ها یاد بگیر**

انفعال وزارت امور خارجه در قبال برخورد با ایرانیان و دیپلمات‌های ایرانی یک مورد بی‌سابقه در دنیاست. اصل واکنش متقابل یکی از اصول رسمی دیپلماتیک است. نمونه‌های اخیر این موضوع را می‌توان در کشورهای چین و کره شمالی مشاهده کرد. رفتار دولت چین در قبال بازداشت خانم «واتزو» از اعضای هیات‌رئیس هیوآوی و دختر بنیانگذار این شرکت که به اتهام «نقض تحریم‌های آمریکا علیه ایران» را که به درخواست واشنگتن بازداشت شد، مقایسه کنید با رفتار دستگاه دیپلماسی ایران با اخراج سربالی دیپلمات‌های ایرانی از کشورهای اروپایی! چین غیر از احضار سفیر کانادا و تذکر شدید، یک دیپلمات کانادایی را نیز بر اساس اصل عمل متقابل دستگیر کرد. در واقع چین این اقدامات متقابل را در واکنش به دستگیری یک شهروند غیردیپلمات انجام داد.

البته بعید نیست دوستان دستگاه دیپلماسی درباره نوع مواجهه خود با اروپا نیز همان بهانه‌ای را که درباره FAFT مطرح کردند تکرار کنند، یعنی اینکه ما در حال جلوگیری از توطئه‌های بالاتری هستیم؛ در این زمینه دو نکته قابل تامل است: اول اینکه وزارت امور خارجه تاکنون چه استنادی برای وجود چنین توطئه‌هایی که درباره FAFT نیز منتشره آن را تکرار کرد ارائه داده است؟ این وزارتخانه باید یک نمونه مشابه از نوع مواجهه خود در قبال اقدام ضد ایرانی اروپایی‌ها را در سایر کشورها نیز ارائه دهد و سوال اساسی‌تر اینکه وزارت امور خارجه باید پاسخ دهد این میزان از انفعال و مدارا با اروپا که تا حد اخراج سفیر ایران نیز کشیده شده است، تاکنون چه آورده‌ای به لحاظ اقتصادی و حتی سیاسی برای کشور و مردم داشته است و به طور مصادفی مثلا چه راهگشایی در مسیر SPV ایجاد کرده است؟